

مطالعات جغرافیایی مناطق خشک

دوره هشتم، شماره‌ی بیست و نهم، پاییز ۱۳۹۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ تأیید نهایی: ۱۳۹۶/۰۴/۱۷

صص ۳۳-۵۱

بررسی شاخص‌های زمینه‌ساز مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی ۹ شهر تهران)

محمود آروین، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری-دانشگاه تهران
حسین فرهادی خواه، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری-دانشگاه تهران
احمد پورا احمد*، استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری-دانشگاه تهران

چکیده

امروزه مشارکت یکی از مفاهیم عمده و اصلی توسعه‌ی پایدار به شمار می‌رود. یکی از جنبه‌های مشارکت، مشارکت شهروندان در امور شهری است که هرچه مردم جامعه مشارکت بیش‌تری در امور شهر داشته باشند، امکان کسب موفقیت بیش‌تر فراهم می‌شود، تهیه و اجرای طرح‌های شهری راحت انجام می‌گردد و سطح زیست به دنبال آن بهبود می‌یابد. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر شاخص‌های زمینه‌ساز مشارکت ساکنان منطقه‌ی ۹ شهر تهران در امور شهری است. پژوهش حاضر از نوع هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده‌ها جز پژوهش‌های توصیفی-پیمایشی و مدل معادلات ساختاری برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. با استفاده از مرور ادبیات تحقیق پرسش‌نامه‌ای با ۸ متغیر (آگاهی اجتماعی، تعامل اجتماعی، اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت عملی، نگرش به مشارکت، رضایتمندی، دل‌بستگی به مکان) و تعداد ۵۷ سؤال تدوین شد. جامعه‌ی آماری ساکنان منطقه‌ی ۹ شهر تهران با ۱۵۸۴۲۵ نفر است که با فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ به دست آمده است. به منظور تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای SPSS21 و smart-PLS3 استفاده گردید. نتایج بیانگر این است که متغیرهای تعامل اجتماعی، همبستگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی و آگاهی اجتماعی از حوزه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بر نگرش به مشارکت تأثیر معناداری دارند. متغیر رضایتمندی بر دل‌بستگی به مکان اثر دارد و دل‌بستگی به مکان بر نگرش به مشارکت و مشارکت عملی تأثیر مثبتی دارد. به‌طور کلی بحث مشارکت شهروندان در امور شهری در منطقه‌ی ۹ هم‌زمان از ویژگی‌های اجتماعی، مکانی و فردی تأثیر می‌پذیرد.

واژگان کلیدی: مشارکت، سرمایه‌ی اجتماعی، دل‌بستگی به مکان، رضایتمندی، منطقه‌ی ۹ شهر تهران.

۱- مقدمه

در بررسی و ارزیابی این برنامه‌های توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ عدم بهره‌گیری از مشارکت مردمی، به‌عنوان عامل اصلی شکست ارزیابی شده است؛ لذا از آن‌پس در استراتژی‌های توسعه بر رویکرد مشارکت مردمی به‌عنوان یکی از نیازهای اصلی بشر تأکید شده است (وحیدا و نیازی، ۱۳۸۲: ۱۱۹). در عصر حاضر هم‌زمان با مهم شدن نقش مردم در جامعه، مشارکت در عرصه‌ی سیاست و اجتماع در قالب اعطای حق رأی مساوی به همه‌ی شهروندان و حق تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های مدنی، مجال ظهور یافته است. در حال حاضر مشارکت شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی اصل پذیرفته‌شده در تمام کشورهای توسعه‌یافته و بسیاری از کشورهای در حال توسعه است (گیلانده، ۱۳۹۳: ۸۳). در مجموع، موضوع مشارکت (اجتماعی) موضوع جدیدی نیست؛ در طی پنجاه سال گذشته مطالعات متعددی در مورد این موضوع انجام شده است. گسترش معنای جدید مشارکت عمومی در فرآیند تصمیم‌گیری در امور زندگی اهمیت یا ارتباط خود را از دست نداده است (Bronius and Rigita, 2007: 31). موضوع مشارکت یک موضوع چندبعدی است؛ بنابراین برای درک کامل موضوع مشارکت اجتماعی باید از دیدگاه‌های مختلف و به‌عنوان یک پدیده‌ی چندبعدی بررسی شود (Parada, 2009: 17). در این میان، یکی از عواملی که بر مشارکت مردم یک مکان (محله) تأثیر می‌گذارد، دل‌بستگی و تعلق مکانی است. دل‌بستگی به مکان زندگی و احساس تعلق به آن در افراد این انگیزه و احساس مسئولیت را ایجاد می‌کند که جهت بهبود همه‌جانبه محیط سکونت تلاش نمایند، از این‌رو احساس تعلق مکانی و به دنبال آن مشارکت می‌تواند اجرای برنامه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی را در اجتماع محلی با توفیق چشم‌گیر همراه کند و کیفیت زندگی را بهبود بخشد (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰: ۲). از سویی، پیش‌شرط اولیه برای مشارکت اجتماعی، آگاهی است که یک متغیر معرفتی متعلق به افراد است. جایی که افراد از اهمیت مسائل اجتماعی آگاهی نمی‌شوند یا ابزارهای موجود جواب‌گوی مشکلات نیست، فرصت‌های مشارکت اجتماعی هم پایین‌تر خواهد بود (بابایی اقدم و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۴). علاوه بر عامل آگاهی اجتماعی، عواملی مانند همبستگی، تعامل و اعتماد در محله و شهر که در واقع زیرمجموعه‌ی مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی قرار می‌گیرند، بر نگرش شهروندان و مشارکت عملی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. سرمایه‌ی اجتماعی به‌واسطه‌ی ارتباطش با سایر پدیده‌های بنیادین جامعه نظیر نظم اجتماعی، آگاهی اجتماعی، رضایت اجتماعی، روابط و تعاملات اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و ارتقاء حس هویت و تعلق اجتماعی شهروندان در محله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲).

منطقه‌ی ۹ شهر تهران به سبب ویژگی‌های که دارد، توجه به بحث مشارکت شهروندان اهمیت دارد؛ از جمله اینکه منطقه‌ی ۹ از مناطق مهاجر فرست تهران است. جمعیت این منطقه از ۱۸۹۸۰۵ نفر در سال ۱۳۶۵ به ۱۷۲۴۸۲ نفر در سال ۱۳۷۵، ۱۵۹۰۷۴ نفر در سال ۱۳۸۵ و ۱۵۸۴۲۵ نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است. مهاجرت ساکنان به سایر مناطق تهران موجب جایگزینی آن‌ها با خانوارهای تازه مهاجر به تهران می‌شود که اغلب از منطقه نه به‌عنوان جایی برای سکونت دائم که به‌عنوان منزلگاهی موقت و برای پرش به سایر مناطق شهر استفاده می‌کنند. این‌ها در اولین فرصت جای خود را به دیگران می‌دهند. از طرفی بافت این منطقه، قدیمی و فرسوده بوده؛ به‌گونه‌ای که حتی برخی از بناهای این منطقه به‌ویژه در محله‌های پرجمعیت آن بیش از نیم‌قرن قدمت دارد. وجود مسئله‌ی عدم ماندگاری جمعیت در این منطقه و مهاجرفرستی و نیز وجود بافت‌های فرسوده به دنبال آن طرح‌های نوسازی و بهسازی و دیگر طرح‌های شهری نیازمند بررسی بحث مشارکت شهروندان و متغیرهای مؤثر بر آن می‌باشد؛ بنابراین و با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع، این پژوهش سعی دارد تا به بررسی شاخص‌های زمینه‌ساز مشارکت شهروندان در امور شهری در منطقه‌ی ۹ شهر تهران بپردازد.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مشارکت اجتماعی

واژه‌ی مشارکت در دایرة المعارف دهخدا به مفهوم شراکت، انبازی، حصه‌داری و بهره‌برداری بوده و معادل آن در زبان انگلیسی (participation) در فرهنگ آکسفورد به معنای «عمل شرکت در یک فعالیت یا رویداد» آورده شده است. علوی تبار در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها» واژه‌ی مشارکت را به معنای «درگیری و تجمع برای منظوری خاص» بیان کرده و جوهره‌ی اصلی آن را "درگیری"، "فعالیت" و "تأثیرپذیری" دانسته است. مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن، اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (رهنما و رضوی، ۱۳۹۱، ۳۱). فرآیند و حق اساسی که در طی آن، مردم عاقلانه و با آگاهی، اراده و رغبت در زمینه‌ی امری خاص با قبول گوشه‌ای از مسئولیت آن به‌طور گروهی سعی در ارضای نیازهای روحی و روانی فردی و گروهی خود در همیاری جهت رسیدن به اهداف پیش تعیین‌شده بر اساس نیازهای واقعی اولویت‌بندی‌شده با در نظر گرفتن امکانات و محدودیت‌ها جهت یافتن هویت فردی و جمعی در جامعه باشد. حال اگر محدوده‌ی مشارکت را شهر در نظر گرفته و نوعی از برنامه‌ریزی فرآیندنگر با چارچوبی مشارکتی را مدنظر قرار دهیم و عواملی چون عدالت اجتماعی قانون، توسعه‌ی پایدار و... را در آن دخیل کنیم، برنامه‌ریزی شهری مشارکتی را خواهیم داشت (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۰۴)؛ بنابراین مشارکت شهروندی عبارت است از: میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های صنفی و سیاسی؛ این مجموعه فعالیت‌ها با وظایفی که آن‌ها در مشاغل خود به انجام می‌رسانند، می‌تواند رابطه‌ی غیرمستقیم داشته باشد (Almond and Verba, 1966: 17). ضرورت مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها دلایل متعددی برای مشارکت دادن شهروندان در اداره‌ی امور شهرها وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. گسترش‌ها ارزشی فرهنگی که هنجارهای برابری و مردم‌سالاری را تقویت می‌کند و به افزایش تقاضای شهروندان برای مشارکت می‌انجامد.
۲. دگرگونی‌هایی که در میزان بهره‌مندی از آموزش و سن و سطح درآمد شهروندان پدید آمده است، هم انگیزه برای مشارکت جوانان تحصیل‌کرده و متعلق به طبقه‌ی متوسط را افزایش داده و هم مشارکت را بالا برده است.
۳. مشارکت در امور مختلف موجب افزایش کارایی شده است.
۴. افزایش پیچیدگی روابط در شهرها، امکان اداره‌ی امور انفرادی و آمرانه را از میان برده است (موحدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۸).

مشارکت و مشارکت اجتماعی را می‌توان به اشکال مختلف تعریف کرد و این امر از ماهیت چندبعدی مفهوم مشارکت برمی‌خیزد؛ به‌نحوی که با تأکید بر بعدی از ابعاد متنوع آن تعریفی متفاوت به دست می‌آید. مشارکت اجتماعی، مشارکت افراد در گروه‌هایی خارج از خانواده و عرصه‌ی سیاسی و محیط کار (احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و گروه‌های فشار) است. پس انواع مشارکت‌های داوطلبانه و عضویت فعال در گروه‌هایی خارج از خانواده و سازمان‌های سیاسی و گروه‌های فشار جزء مشارکت اجتماعی محسوب می‌شود (Helly, 2001:2). اشکال مشارکت اجتماعی را می‌توان به دو صورت زیر مورد مطالعه قرار داد: الف) نهادی (رسمی) که دربرگیرنده‌ی عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها (باشگاه‌ها) با فعالیت برنامه‌ریزی‌شده در یک‌زمان و مکان مشخص است. ب) مشارکت غیررسمی که خود دربرگیرنده‌ی دو نوع است: ۱. مشارکت اتفاقی شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم، مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومین و افراد خاص تشکیل می‌شود ۲. مشارکت پایدار که شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی است که به‌صورت مؤسسه و سازمان نیستند، ولی نسبتاً دائمی و همیشگی هستند (یزدان‌پناه، ۱۳۸۶: ۶۷). در این پژوهش، تمرکز بر عواملی است که بر مشارکت تأثیر گذارند و می‌تواند مشارکت را محدود یا افزایش دهند.

۲-۲- عوامل مؤثر بر مشارکت

۲-۲-۱- دل‌بستگی مکانی^۱

واژه‌ی دل‌بستگی به مکان به تأثیر عاطفی یک مکان اشاره دارد که افراد به لحاظ حسی و فرهنگی به آن جذب می‌شوند. انسان می‌تواند به یک شی، خانه، ساختمان، محله و یا یک قرارگاه طبیعی، جذب شوند (Low & Altman, 1992: 5). محققان مفهوم دل‌بستگی مکانی را برای درک بهتر دل‌بستگی مردم به نواحی جغرافیایی و محیط‌های تفریحی استفاده می‌کنند (Wickham and Kerstetter, 2000: 167). اهمیت دل‌بستگی به مکان از آن‌روست که نقش عمده‌ای در ایجاد و بالا بردن سطح مسئولیت‌پذیری، همکاری و خودیاری ساکنان مناطق مسکونی دارد و شیوه‌ی کارآمدتری را برای حل مسائل و بهبود شرایط زندگی ارائه می‌کند. به لحاظ اجتماعی، دل‌بستگی به مکان زمینه‌ی مساعدی را فراهم می‌کند تا ساکنان بر امور جاری و محلی نظارت بیشتری داشته باشند و با علاقه‌ی بیشتری به مسائل اجتماعی پیرامون خود بپردازند (Perkins and Long, 2002: 124). مهم‌تر از دل‌بستگی محله (مکان)، رابطه‌ی بین دل‌بستگی محله و مشارکت‌های اجتماعی است (Wu, 2016: 4). دل‌بستگی مکانی به تأثیر عاطفی یک مکان که مردم را به‌وسیله‌ی پیوندهای عاطفی و فرهنگی جذب می‌کند، اشاره دارد (Yazdanfar et al, 2013: 856). دل‌بستگی مکانی از عوامل ایجاد هویت مکان است. دل‌بستگی مکانی به‌عنوان توسعه‌ی یک پیوند عاطفی بین مردم و افراد با مکان خاص تعریف می‌شود (Ujang, 2012: 158). همچنین در دل‌بستگی مکان و تحقیقات (مربوط به) حس مکان، وابستگی مکان و هویت مکانی به‌عنوان ساختار برای اندازه‌گیری استفاده شده است (Ujang, 2012: 159). مفهوم دل‌بستگی به مکان را به‌عنوان شکلی از تعلق تعریف کرده‌اند که با پتانسیل مکان خاص برای ارضای نیازها و اهداف افراد و سنجش اینکه مکان حاضر در مقایسه با سایر مکان‌های موجود چه شرایط قابل‌دسترسی برای ارضای همان نیازها در اختیار دارد، اشاره می‌کند (Williams and et al, 1992: 31).

دل‌بستگی به مکان نقش عمده‌ای در ایجاد و بالا بردن سطح مسئولیت‌پذیری، همکاری و خودیاری ساکنان مناطق مسکونی دارد و شیوه‌ی کارآمدی برای حل مسائل و بهبود شرایط زندگی ارائه می‌کند. دل‌بستگی و احساس تعلق به مکان، در افراد این انگیزه را ایجاد می‌کند که به احیاء و نوسازی همه‌جانبه محیط زندگی بپردازند و کیفیت محیطشان را بهبود بخشند (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰: ۲). به‌طور کلی می‌توان گفت دل‌بستگی بر فرآیندی است که ریشه در تعامل انسان و مکان بر پایه‌ی عواطف و نحوه‌ی شناخت فرد نسبت به مکان و میزان پاسخ‌گویی مکان به نیازهای او دارد (دانش‌پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۹). این به آن معناست که نحوه‌ی ارزیابی و قضاوت فرد از مکان، بر پایه‌ی نیازهایش، سبب مراجعات مکرر به مکان و شکل‌گیری عواطف و احساسات مثبت درون وی می‌گردد که محصول آن متأثر نمودن رفتار فرد در مکان می‌باشد (چرخ‌چیان، ۱۳۹۲: ۵۷). در ادامه، مهم‌ترین ابعاد دل‌بستگی مکانی مؤثر بر مشارکت شهروندی آورده می‌شود.

آنتون و لاورنس^۲ (۲۰۱۶). در تحقیقی به بررسی رابطه‌ی بین دل‌بستگی مکانی، نظریه‌ی برنامه‌ریزی‌شده و رفتار ساکنان به تغییر مکان، به این نتیجه رسیدند که ممکن است افراد با دل‌بستگی قوی تغییر مکان را منفی ارزیابی کنند، ولی کسانی که نگرش مثبتی در مورد ارزش و اهمیت تغییرات دارند (کسانی هستند) که فعالیت‌های مدنی را در بین خانواده و دوستان خود درک کرده‌اند. فالونگ و وو^۳ (۲۰۱۶) در تحقیق به بررسی دل‌بستگی محله‌ای (مکانی)، مشارکت اجتماعی و تمایل به اقامت در جوامع کم‌درآمد چین که به بالا بردن ثبات محله‌ای کمک می‌کند، پرداخته است. او دریافت که برخلاف عقاید رایج، مهاجران روستایی خود را با مکان‌هایی که در آن زندگی می‌کنند، نمی‌شناسند و مشارکت غیر فعالانه‌ای در جامعه‌ی دارند. ولی در مقابل، ساکنان بازنشسته و ازکارافتاده شهرها در فعالیت‌های جامعه شرکت

1-place attachment

2- Anton & Lawrence

3- Wu

می‌کنند، اما ترجیح می‌دهند شهر را ترک کنند. ویکهام و کرسستر^۴ (۲۰۰۰) در مقاله با عنوان رابطه‌ی بین دل‌بستگی مکانی و ازدحام در محیط به این نتیجه رسیده‌اند که دل‌بستگی به مکان رابطه‌ی مثبتی با ادراک فرد از ازدحام دارد. یزدانفر و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی تأثیر دل‌بستگی مکانی در ایجاد حس مکان در بازار قدیم تجریش و مرکز تجاری جدید پرداخته است. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که دل‌بستگی مکانی در بازار قدیمی تجریش بیش‌تر و قوی‌تر از مرکز تجاری جدید است. هایز و کوگل (۲۰۰۷) در مقاله‌ای رابطه‌ی دل‌بستگی مکانی، مشارکت سیاسی و سرمایه‌ی اجتماعی در شهر در بین ساکنان با درآمد پایین و متوسط در شهر کوچک واترلو کانادا را مورد بررسی قرار داده و دریافته‌اند که شبکه‌های غیررسمی قوی از سرمایه‌ی اجتماعی در محله وجود دارد، اما افرادی که در این شبکه‌ها (غیررسمی) درگیر هستند، لزوماً در انجمن‌های (شبکه‌های رسمی) محله‌ای شرکت نمی‌کنند.

دل‌بستگی به محله (مکان) با مشارکت اجتماعی دارای ارتباط کامل می‌باشد و هنگامی که افراد یک محله یا مکان احساس کنند که محله متعلق به آن‌هاست تمایل بیش‌تری به مشارکت در آن محله دارند (Brodsky et al, 1999:659; Galster, 2003:894). در مجموع، افراد دارای وابستگی به محل بالاتر مشارکت اجتماعی و سیاسی بیش‌تری در جوامع خود دارند (Anton and Lawrwnce, 2014: 452, Mesch & Manor, 1998: 505). از ویژگی‌های اجتماعی و فیزیکی محله محافظت می‌کنند (Mesch & Manor, 1998: 505). زمانی که مردم احساس کنند به یک محله تعلق دارند و با آن هویت پیدا می‌شوند، مشارکت افزایش پیدا می‌کند. دل‌بستگی (اجتماعی و عاطفی به مکان) در محله است که مردم را برای بهبود شرایط خود تشویق می‌کند (Bekker, 2007: 362).

۲-۲-۲- رضایت‌مندی سکونتی

رضایت‌مندی سکونتی از آنجاکه بخشی از حوزه‌ی رضایت‌مندی از زندگی در معنای عام است، یکی از پرمطالعه‌ترین موضوعات در زمینه‌ی محیط مسکونی محسوب می‌شود (سجادزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۱). این مفهوم بنا به تعریف گالستر عبارت است از: شکاف قابل‌مشاهده بین آمال و نیازهای ساکنین واقعیت موجود بستر سکونتی آن‌ها (Galster, 1981: 93). در تعریفی دیگر، رضایت‌مندی سکونتی معادل میزان رضایت تجربه‌شده‌ی فرد یا عضوی از یک خانواده از موقعیت سکونتی فعلی خود محسوب شده است (Mc Cray and Day, 1977: 244). رضایت‌مندی سکونتی از آنجاکه بخشی از حوزه‌ی رضایت‌مندی از زندگی در معنای عام است، یکی از پرتعدادترین موضوعات در زمینه‌ی محیط مسکونی محسوب می‌شود (Ge & Hokao, 2006: 165-178). دانستن مفهوم رضایت‌مندی سکونتی به منظور شناسایی عوامل مانند جابه‌جایی و مهاجرت رضایت‌مندی یا نارضایتی سکونتی و نتایج حاصل از آن مؤثر بر خانواده‌ها از محیط مسکونی خود ضروری است. رضایت‌مندی سکونتی نتیجه‌ی ادراک فردی است؛ میزانی است برای سنجیدن اینکه آیا محیط سکونتی به نیازهای خانواده‌ها و ساکنان فردی پاسخ می‌دهد یا خیر؟ (Baker, 2000: 66-88). رضایت‌مندی سکونتی یک بخش مهم از کیفیت زندگی محسوب می‌شود تا جایی که سنجش رضایت‌مندی سکونتی را به‌مثابه ابزاری برای ارزیابی تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های شهری می‌دانند (مظفری و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۷). به عبارتی چنانچه سطح رضایت‌مندی از وضعیت سکونت بالا باشد، نشان‌دهنده‌ی رضایت از مدیریت شهری و ارائه خدمات آن‌ها دانست. هرچه میزان رضایت‌مندی شهروندان از خدمات‌رسانی مدیریت شهری بیش‌تر باشد، به همان میزان، تمایل بیش‌تری به مشارکت در امور شهری دارند (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹) با افزایش میزان مشارکت شهروند در فرآیند مدیریت شهری، بر میزان رضایت فرد از زندگی نیز افزوده می‌شود. از طرفی، میزان رضایت شهروندان از زندگی‌شان با سطح مشارکت آن‌ها در فرایندهای مربوط به مدیریت و برنامه‌ریزی شهر، رابطه‌ی معنادار، مثبت و مستقیمی وجود دارد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۱-۶۲). Halpeny (۲۰۰۶) در بررسی پارک ملی به این نتایج دست یافت که سطح فردی رضایت‌مندی بر دل‌بستگی مکانی تأثیر مثبت دارد.

۲-۳- همبستگی و تعاملات اجتماعی

از جمله مفاهیم کلیدی و برجسته در مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناختی، مفهوم همبستگی اجتماعی است. همبستگی اجتماعی در لغت به معنای وحدت، وفاق و وفاداری است که ناشی از علائق، احساسات، همدلی و کنش‌های مشترک است. این واژه با واژه‌های دیگری همچون یکپارچگی اجتماعی، وحدت، وفاق اجتماعی، نظم اجتماعی از یک خانواده هستند. همبستگی، احساس مسئولیت متقابل بین چند نفر یا چند گروه است که از آگاهی و اراده برخوردار باشند. همچنین همبستگی می‌تواند شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها به‌طور کلی و یا حتی وابستگی متقابل حیات و منافع بین آن‌هاست (بداعی و ازغندی، ۱۳۹۴: ۱۱۲). تعامل و حس مکان باعث ایجاد نیروی درونی در افراد برای احساس راحتی در محیط می‌شود. در این صورت افراد مایل به همکاری در طرح‌های و پروژه‌ها، همچنین شرکت در جشن‌ها و اعیاد ملی و مذهبی می‌شود (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۸۴).

۲-۴- اعتماد اجتماعی

اعتماد؛ عنصری حیاتی و مایه‌ی قوام جامعه‌ی است. ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به‌نوبه‌ی خود رابطه‌ی نزدیک با صمیمیت دارد. برای ایجاد اعتماد، شخص باید هم به دیگری اعتماد کند و هم خودش دست‌کم در محدوده‌ی رابطه‌ی موردنظر قابل اعتماد باشد (ازکیا و حسنی راد، ۱۳۸۸: ۱۲). به‌گونه‌ای که اعتماد را یکی از مؤلفه‌های حیاتی و اساسی سرمایه‌ی اجتماعی می‌دانند (Putnam, 1996: 65). اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه‌ی اجتماعی از مفاهیم جدیدی است که امروزه در بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی جوامع توسعه‌یافته مطرح شده است. طرح این رویکرد در بسیاری از مباحث اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نشان‌دهنده اهمیت نقش ساختارها و روابط اجتماعی بر متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (عظیمی، ۱۳۹۲: ۱۸۸). به‌طورکلی اعتماد به‌عنوان بخشی از واکنش فرد در قبال دیگران و به‌عنوان بخشی از برهم‌کنش بین کارگزاران اجتماعی می‌باشد. اعتماد یک احتمال عقلانی است که بر اساس آن یک کنشگر در رابطه با دیگر گروه‌ها و کارگزاران رفتار آن‌ها را قبل از وقوع آن پیش‌بینی و فعالیت خود را بر اساس آن طراحی می‌کند (Larson, 2007: 222). در این میان، می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سطح مشارکت اجتماعی، میزان اعتماد اجتماعی افراد است (ملکی و امیدوار، ۱۳۹۴: ۱۳۳). در مجموع، بین اعتماد اجتماعی و مشارکت در شهرها رابطه معنادار وجود دارد (پارسامهر، ۱۳۹۲: ۲۵۳). اعتماد اجتماعی به‌عنوان یکی از عناصر اصلی سرمایه‌ی اجتماعی، ارتباط نزدیکی با مشارکت شهروندان دارد. به عبارتی افزایش توانایی (همکاری) شهروندان بر اساس اعتماد اجتماعی می‌تواند منبع مشارکت اجتماعی باشد (Gittel et al, : 124) بر این اساس، هرچه اعتماد اجتماعی بیش‌تر گردد، مشارکت اجتماعی نیز بیش‌تر می‌شود (نیک‌خواه و سادات احمدی، ۱۳۹۶: ۱۶۰). مشارکت رابطه‌ی مثبتی با اعتماد به مسئولین دارد. برخی نویسندگان بر تأثیر منفی اعتماد به مسئولین در خانوارهای کم‌درآمد و گروه‌های قومی دارند و بیان داشتند که عدم اعتماد و نگرش منفی نسبت به مسئولین محله مانعی در برابر مشارکت می‌شود (Dekker, 2007: 361). Ross و همکاران (۲۰۰۱) و Subramanian و همکاران (۲۰۰۳) دریافته‌اند که سطح اعتماد در محله‌های فرسوده نسبت به محله‌های متوسط پایین‌تر است. یافته‌ها نشان داد که شرایط خاص محلی می‌تواند منجر به سطح اعتماد و نرخ مشارکت پایین گردد.

۲-۵- آگاهی اجتماعی

اصولاً پیش‌شرط اولیه برای مشارکت اجتماعی، آگاهی است. آگاهی یک متغیر معرفتی متعلق به افراد است. آگاهی را می‌توان در درجه‌ی اول از طریق ایجاد روحیه‌ی دانستن در فرد و در وهله‌ی دوم، آگاهی دادن از طریق آموزش حقوق و مسئولیت‌های افراد در قبال محیط ساکن، ایجاد یا تقویت کرد؛ به‌طوری‌که فرد با آگاهی یافتن از حقوق و مسئولیت‌های خود در قبال جامعه و محیط می‌تواند رفتاری درست که در جهت بهبود وضعیت محله خواهد بود، انجام دهد (ابراهیم‌زاده

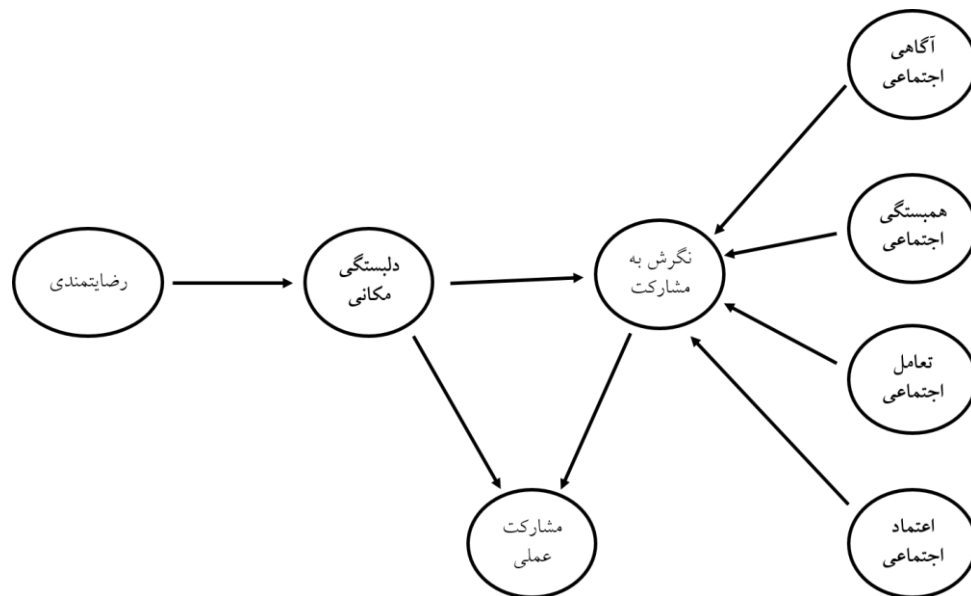
و زارع، ۱۳۹۳: ۵). در این میان آگاهی شهروندی، به معنای شناخت شهروندان از وظایف حکومت و شهرداری در قبال شهروندان و تلاش برای تحقق حقوق و اجرای تعهداتشان است. آگاهی از حقوق شهروندی موجب می‌شود که مشارکت شهروندان در امور شهری از مراتب پایداری، استمرار و مسئولیت‌پذیری بیش‌تری برخوردار گشته، متمر ثمر واقع گردد. شناخت امکانات موجود در سطح شهر برای رفاه شهروندان، آشنایی با وظایف، اهداف و مأموریت‌های شهرداری و نیز آشنایی با هر یک از واحدهای زیرمجموعه این نهاد و سازوکارهای استیفای حقوق در آن‌ها، شهروندان را در بهره‌برداری بهتر از فرصت‌ها و موقعیت‌های رفاه و پیشرفت، یاری خواهد کرد. آگاهی از حقوق و تعهدات شهروندی، زمینه انجام وظایف دوجانبه را فراهم می‌کند و باعث پاسخ‌خواهی و حساب‌کشی شهروندان از مدیریت شهری خواهد شد (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵). پیش‌شرط اولیه برای مشارکت اجتماعی، آگاهی است که یک متغیر معرفتی متعلق به افراد است. جایی که افراد از ماهیت مسائل اجتماعی آگاهی نمی‌شوند یا ابزارهای موجود جوابگوی مشکلات نیست، فرصت‌های مشارکت اجتماعی هم پایین‌تر خواهد بود (دویران، ۱۳۹۳: ۵۹). وایدمان و فیمرز مدلی از نردبان مشارکت عمومی ارائه کرده‌اند که پله‌های آن از «حق همگانی برای دانستن» آغاز می‌شود و تا «مشارکت مردم در تصمیم‌نهایی» ادامه می‌یابد. در پله‌های دوم تا پنجم نیز آگاهی دادن به عموم، حق عمومی اعتراض و مخالفت ورزیدن، مشارکت مردم در بیان نکات خاص و مورد توجه، ایفای نقش تعیین‌دستور کار و مشارکت مردم در ارزشیابی خطرها و توصیه‌ی راهکار، قرار دارند (نیک‌خواه و سادات احمدی، ۱۳۹۶: ۱۶۲).

اقدام و همکاران (۱۳۹۴)، در تحقیقی به ارزیابی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در ساماندهی بافت‌های فرسوده‌ی شهری با تأکید بر سرمایه‌ی اجتماعی (مطالعه موردی محله‌ی ججین اردبیل)، پرداخته و معتقدند که در مشارکت اجتماعی ساکنان، آگاهی اجتماعی، عوامل اقتصادی و اعتماد اجتماعی نقش اساسی دارند. زنگنه و همکاران (۱۳۹۳)، در بررسی تأثیر تعلق مکانی و سرمایه‌ی اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی، نمونه‌ی موردی محله‌ی سرده‌ی سبزواری به این نتیجه رسیده‌اند که تعلق مکانی و سرمایه‌ی اجتماعی در سطح مشارکت ساکنان در برنامه‌ریزی بهسازی محله تأثیر معناداری دارد.

مروری بر مبانی نظری و هم‌چنین مطالعات قبلی مرتبط با این پژوهش، زمینه لازم برای ارائه‌ی چارچوب نظری تحقیق (شکل ۱) را فراهم کرد. بر این اساس فرضیه‌های زیر برای این پژوهش در نظر گرفته شده است.

جدول ۱: فرضیه‌های تحقیق

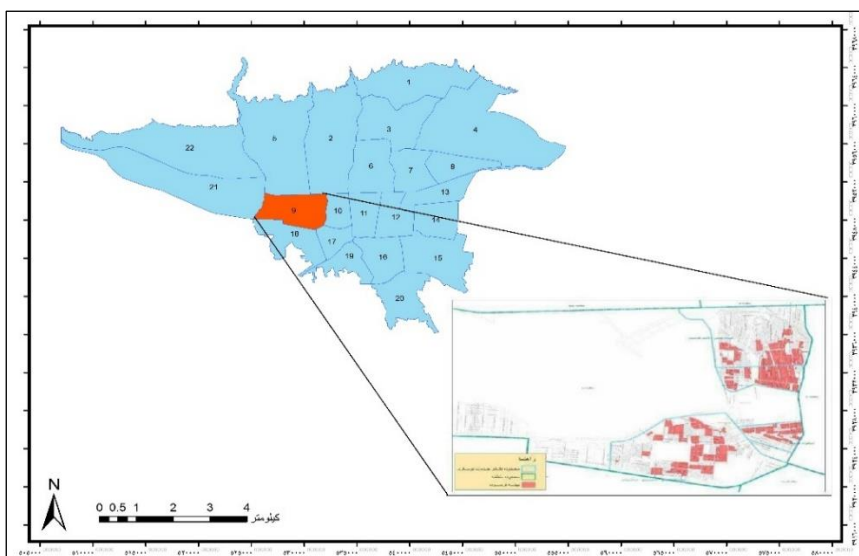
فرضیه‌ی اول: آگاهی بر نگرش به مشارکت تأثیر مثبت دارد
فرضیه‌ی دوم: تعامل اجتماعی بر نگرش به مشارکت تأثیر مثبت دارد
فرضیه‌ی سوم: اعتماد اجتماعی بر نگرش به مشارکت تأثیر مثبت دارد
فرضیه‌ی چهارم: همبستگی اجتماعی بر نگرش به مشارکت تأثیر مثبت دارد
فرضیه‌ی پنجم: نگرش به مشارکت بر مشارکت عملی تأثیر مثبت دارد
فرضیه‌ی ششم: رضایتمندی بر دل‌بستگی مکانی تأثیر مثبت دارد
فرضیه‌ی هفتم: دل‌بستگی مکانی بر نگرش به مشارکت تأثیر مثبت دارد
فرضیه‌ی هشتم: دل‌بستگی مکانی بر مشارکت عملی تأثیر مثبت دارد



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

۳- محدوده‌ی مورد مطالعه

منطقه‌ی ۹ شهرداری تهران از شمال به خیابان آزادی و بزرگراه مخصوص کرج، از جنوب به خیابان آذری، میدان شیر و بزرگراه فتح، از شرق به خیابان شهیدان (امتداد بزرگراه یادگار امام)، خیابان‌های امام‌زاده عبدالله و شبیری و از غرب به مسیل کن منتهی می‌شود و با مناطق ۲ و ۵ از شمال، ۱۰ و ۱۷ از شرق، ۱۸ از جنوب و ۲۱ در غرب همسایگی دارد. در وضع موجود منطقه‌ی ۹ شهرداری تهران دارای ۲ ناحیه و ۸ محله است و مساحت منطقه، ۱۹۶۶ هکتار یعنی در حدود ۲/۸ درصد مساحت تهران و جمعیت آن در سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۵۸۴۲۵ نفر بوده است. در این بخش شهری، جمعیتی با تراکم ناخالص متوسط ۲۶۶ نفر در هکتار سکونت دارند. تراکم متوسط خالص مسکونی در منطقه‌ی ۹ بالای ۶۵۰ نفر در هکتار است. وجود بافت‌های فرسوده به‌ویژه در کاربری مسکونی از ویژگی‌های بارز منطقه است. هر چه از قسمت شمالی به بخش‌های جنوبی منطقه نزدیک‌تر می‌شویم، بر شدت فرسودگی و فراوانی عرصه‌های کوچک‌تر مسکونی افزوده می‌شود (بذرافکن، ۱۳۹۴: ۱۱۳).



شکل ۲: موقعیت منطقه‌ی ۹ و پهنه‌های فرسوده منطقه‌ی

۴- روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نظر هدف «کاربردی» و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، «توصیفی-پیمایشی» است. از آنجایی که پژوهشگران به دنبال تعیین رابطه‌ی بین متغیرهای پژوهش بودند، این پژوهش از نوع «همبستگی» نیز بود. جامعه‌ی آماری با توجه به متغیرهای پژوهش، ساکنان منطقه‌ی ۹ شهر تهران بودند که برابر با ۱۵۸۴۲۵ نفر می‌باشد. حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین گردید که از طریق فرمول کوکران به دست آمد. برای گردآوری اطلاعات در زمینه‌ی مبانی نظری و ادبیات موضوع از منابع کتابخانه‌ای، مقالات، کتاب‌های موردنیاز و نیز از پایگاه‌های اطلاعات علمی و مجله‌های الکترونیکی و برای جمع‌آوری داده‌ها از روش میدانی و پرسش‌نامه استفاده شده است. با توجه به اینکه روش گردآوری پرسش‌نامه‌ای است، در این پژوهش از ۴ شاخص اجتماعی (همبستگی، اعتماد، تعامل، آگاهی) و شاخص‌های دل‌بستگی مکانی و رضایتمندی و نگرش به مشارکت و مشارکت عملی با تعداد سؤال ۵۷ استفاده گردید. در قسمت تحلیل داده‌ها از فن مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد روش حداقل مربعات جزئی و با استفاده از نرم‌افزار smart pls3 برای بررسی مدل مفهومی تحقیق بهره گرفته شده است. مدل‌یابی معادلات ساختاری، مدلی آماری برای بررسی روابط خطی بین متغیرهای مکنون (مشاهده نشده) و متغیرهای آشکار (مشاهده شده) است. به عبارت دیگر، مدل‌یابی معادلات ساختاری تکنیک آماری قدرتمندی است که مدل اندازه‌گیری (تحلیل عاملی تأییدی) و مدل ساختاری (رگرسیون یا تحلیل مسیر) را با یک آزمون آماری هم‌زمان ترکیب می‌کند. از طریق این فنون پژوهشگران می‌توانند ساختارهای فرضی (مدل‌ها) را رد یا انطباق آن‌ها را با داده‌ها تأیید کنند. نرم‌افزار مورد استفاده در این پژوهش برای این تحلیل SMART-PLS3 است. این نرم‌افزار مدل‌های معادلات ساختاری را که دارای چندین متغیر بوده و اثرات مستقیم، غیرمستقیم و تعاملی را شامل می‌شود، مورد تحلیل قرار می‌دهد. مقیاس اندازه‌گیری بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت بود که از «خیلی کم» شروع و به «خیلی زیاد» ختم شد و نحوه‌ی نمره‌دهی به پرسش‌ها نیز از نمره‌ی ۱ تا ۵ بود برای تأیید روایی ابزار اندازه‌گیری از سه نوع روایی ارزیابی تحت عنوان روایی محتوی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده شد.

جدول ۲: شاخص‌ها و گویه‌های تحقیق

شاخص	گویه
نگرش به مشارکت	مشارکت شهروندان باعث می‌شود: انسجام و همدلی با مسئولین آن‌ها، احساس غرور و عزت، نقش مهم مشارکت در زندگی، بهبود روابط من با سایر شهروندان، آسان‌تر شدن کارها، مشارکت ایجاد احساس مسئولیت در افراد، افزایش روحیه‌ی همدلی وفاق در محل، استفاده بهینه از امکانات مادی و غیرمادی منابع موجود در محل، تأمین بخشی از منابع پروژه‌های شهری، مشارکت سبب شناسایی مشکلات و نیازها، تسریع در تهیه و اجرای طرح‌های شهری، افزایش رضایتمندی
دل‌بستگی به مکان	احساس امنیت در محله، استفاده مسجد، پارک و سینما از مراکز محل خود، عدم تمایل به نقل مکان، محل زندگی‌ام بخش از وجود من شده است، اهمیت و ارزش محله، احساس خوشحالی از زندگی و گذراندن اوقات فراغت در محله. علاقه به محل زندگی در مقایسه با سایر نواحی شهر، به تشویق به زندگی در محله و افتخار به آن، احساس آشفستگی در صورت رفتن از مکان، وابستگی به محله، عاشق زندگی در محله و محبوبیت محله، احساس آرامش در محله، مشتاق برای زندگی در همه عمر، در همین محله یا مجاور آن، احساس عضویت در خانواده‌ی بزرگی
اعتماد اجتماعی	ضامن شدن برای اهالی، اعتماد به سازمان‌ها و نهادهای دولتی، اعتماد به سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی، کمک گرفتن از همسایگان برای امنیت خانه، در هنگام نیاز وسایل، اتومبیل خود را در اختیار همسایگان قرار می‌دهید، اعتماد به مراکز خصوصی در شهر

همبستگی اجتماعی	کمک به همسایگان در صورت بروز مشکل، پادرمیانی در صورت بروز اختلاف، همکاری برای حل مشکلات محله، برقراری ارتباط راحت با همسایگان،
تعامل اجتماعی	رفت‌وآمد با دوستان، همسایگان رفت‌وآمد، همفکری در انجام کارها با دیگران، شرکت در مراسم خصوصی و عمومی در محله
آگاهی اجتماعی	میزان استفاده کردن از رسانه‌های صوتی، میزان استفاده کردن از رسانه‌های مکتوب، میزان استفاده از اینترنت، شرکت در کارگاه‌های آموزشی، شرکت در جلسات فرهنگی محله
رضایتمندی	دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، دسترسی به مراکز درمانی، دسترسی به مراکز خرید روزانه، فضاهای آموزشی، تفریحی، فرهنگی، رضایت از امنیت محله، رضایت از شرایط زیست‌محیطی محله (بو، آلودگی هوا، آلودگی صوتی، جمع‌آوری آب‌های سطحی، جمع‌آوری زباله
مشارکت عملی	کمک مالی برای عمران و آبادی محله، همفکری برای عمران محله با مسئولین، تمایل مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه محله‌ای خود، همکاری در بهسازی و نوسازی محله واحد مسکونی خود، همکاری در اصلاح تأسیسات و معابر و تأسیسات زیربنایی، کمک در تهیه و اجرای طرح‌های شهری

۴-۱- رویی همگرا واگر

روایی پرسش‌نامه توسط دو معیار همگرا واگر که مختص مدل‌سازی معادلات ساختاری است، بررسی شد. روایی همگرا به میزان توانایی شاخص‌های یک بعد در تبیین آن بعد اشاره دارد و روایی واگرا نیز بیانگر این مطلب است که سازه‌های مدل پژوهش بایستی همبستگی بیشتری با سؤالات خود داشته باشند تا سازه‌های دیگر (طالبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۶). برای ارزیابی روایی همگرا از معیار AVE (میانگین واریانس استخراج‌شده) مربوط به متغیرهای مرتبه‌ی اول استفاده شد که نتایج این معیار در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳: میانگین واریانس متغیرهای استخراج‌شده شاخص‌های پژوهش

متغیر	آگاهی اجتماعی	دل‌بستگی	اعتماد اجتماعی	همبستگی اجتماعی	مشارکت عملی	نگرش به مشارکت	رضایتمندی اجتماعی	تعامل اجتماعی
AVE	0.503	0.431	0.693	0.610	0.549	0.428	0.567	0.547

مقدار ملاک برای سطح قبولی AVE ۰/۴ می‌باشد. همان‌گونه در جدول شماره‌ی ۳ آمده است، تمامی مقادیر AVE مربوط به سازه‌ها از ۰/۴ بیش‌تر بوده و این مطلب، مؤید این می‌باشد که روایی همگرای پرسش‌نامه پژوهش در حد قابل قبول است.

در قسمت روایی واگر، میزان تفاوت بین شاخص‌های یک سازه با شاخص‌های سازه‌های دیگر در مدل مقایسه می‌شود. این کار از طریق مقایسه‌ی جذر AVE هر سازه با مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها محاسبه می‌گردد. در صورتی که سازه‌ها با شاخص‌های مربوط به خود همبستگی بیش‌تری داشته باشند تا با سازه‌های دیگر، روایی واگرای مناسب مدل تأیید می‌شود. برای این کار ماتریس باید تشکیل داد مقادیر قطر اصلی جذر ضرایب AVE هر سازه می‌باشد و مقادیر پایین قطر اصلی ضرایب همبستگی بین هر سازه با سازه‌های دیگر است این ماتریس در جدول شماره‌ی ۴ نشان داده شده است:

جدول ۴: ضرایب همبستگی سازه‌ها

شاخص	آگاهی اجتماعی	دل بستگی	اعتماد اجتماعی	همبستگی اجتماعی	مشارکت عملی	نگرش به مشارکت	رضایتمندی	تعامل اجتماعی
آگاهی اجتماعی	0.709							
دل بستگی اجتماعی	0.659	0.656						
اعتماد اجتماعی	0.351	0.514	0.833					
همبستگی اجتماعی	0.465	0.593	0.772	0.781				
مشارکت عملی	0.603	0.637	0.492	0.453	0.741			
نگرش به مشارکت	0.679	0.621	0.546	0.761	0.566	0.654		
رضایتمندی	0.707	0.642	0.240	0.362	0.722	0.647	0.753	
تعامل اجتماعی	0.641	0.613	0.521	0.727	0.520	0.650	0.512	0.740

همان‌گونه که در جدول آمده، جذر AVE هر سازه از ضرایب همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر بیش‌تر شده است که این مطلب حاکی از قابل قبول بودن واگرای سازه‌ها می‌باشد.

۴-۲- پایایی مدل

برای سنجش پایایی مدل به بررسی پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ پرداخته شد. ضریب آلفای کرونباخ بیانگر میزان توانایی سؤالات در تبیین مناسب ابعاد مربوط به خود است. هم‌چنین ضریب پایایی ترکیبی نیز میزان همبستگی سؤالات یک بعد یکدیگر برای ارزش کافی مدل‌های اندازه‌گیری را مشخص می‌کند (Fornell & Larcker, 1981: 40).

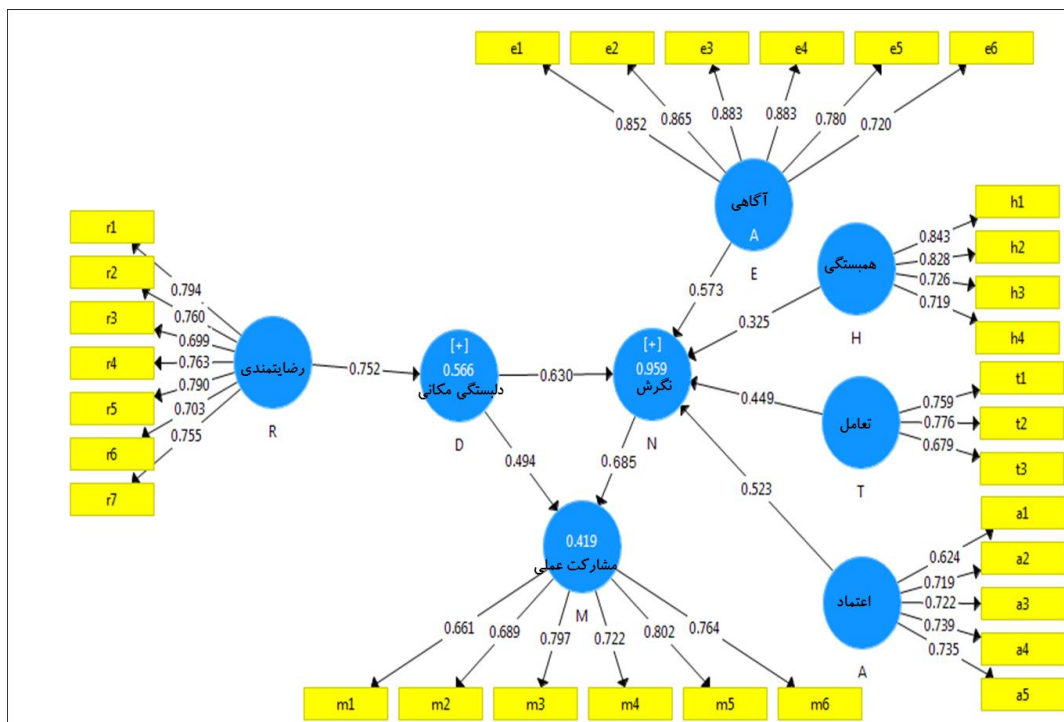
جدول ۵: پایایی مدل

پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	تعداد	نام متغیر
0.834	0.751		آگاهی اجتماعی
0.882	0.851		دل بستگی مکانی
0.931	0.910		اعتماد اجتماعی
0.861	0.786		همبستگی اجتماعی
0.879	0.839		مشارکت
0.882	0.851		نگرش به مشارکت
0.901	0.873		رضایتمندی سکونتی
0.783	0.585		تعامل اجتماعی

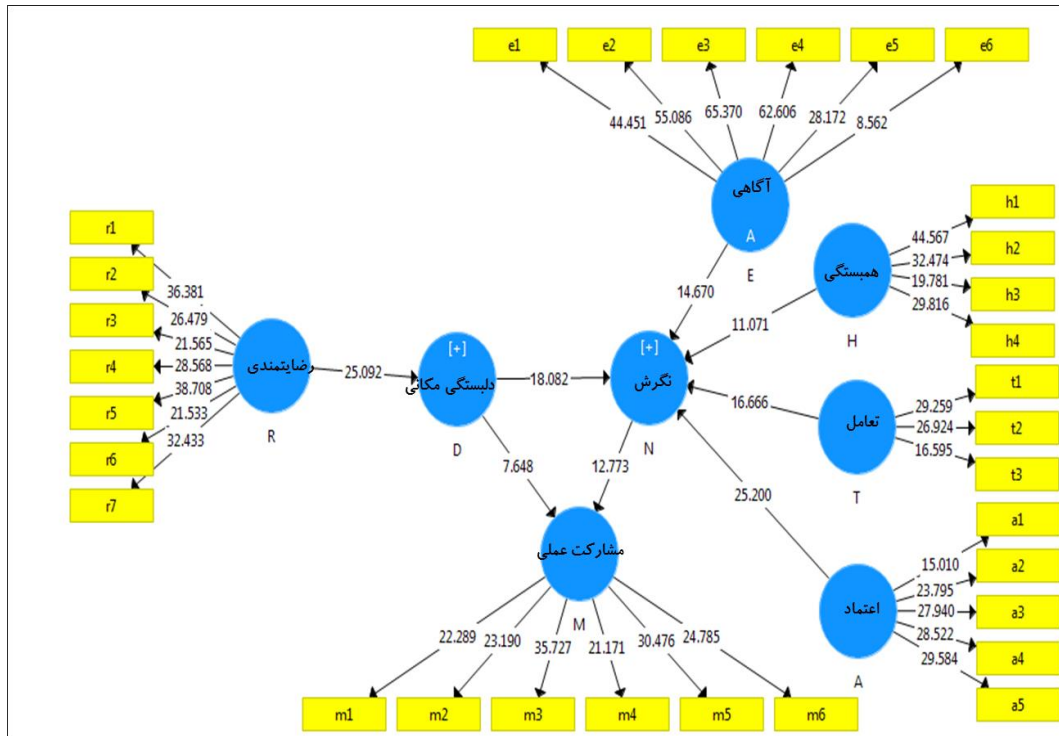
با توجه به جدول شماره ۵ می‌توان گفت تمام شاخص‌ها از پایایی بالایی در مدل برخوردارند. پایایی ترکیبی و ضریب آلفای کرونباخ در مورد تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ است. از آنجایی که بالاتر بودن آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی از ۰/۷ نشان‌دهنده‌ی برازش مناسب مدل است (chin, 2009: 6159). پژوهش حاضر در مورد این دو معیار نیز برازش مناسب را تأیید می‌کند.

۵- یافته‌های تحقیق

در نرم‌افزار smart-pls ارزش t معنی‌دار بودن اثر متغیرها را برهم نشان می‌دهد. اگر مقدار t بیش‌تر از ۱/۹۶ باشد، یعنی اثر مثبت وجود دارد و معنی‌دار است. اگر بین ۱/۹۶+ تا ۱/۹۶- باشد، اثر معنی‌داری وجود ندارد و اگر کوچک‌تر از ۱/۹۶- باشد، یعنی اثر منفی دارد، ولی معنی‌دار است. همچنین ضرایب مسیر اگر بالای ۰/۶ باشد، بدین معنی است که ارتباطی قوی میان دو متغیر وجود دارد، اگر بین ۰/۳ تا ۰/۶ باشند، ارتباط متوسط و اگر زیر ۰/۳ باشند، ارتباط ضعیفی میان وجود دارد. شکل‌های شماره‌ی ۳ و ۴ خروجی از نرم‌افزار ضرایب مسیر و مقدار t را نشان می‌دهد که با استفاده از این می‌توان تحلیل فرضیه‌های پژوهش پرداخت.



شکل ۳: مدل آزمون پژوهش (ضرایب مسیر و بارهای عاملی)



شکل ۴: ضریب معناداری شاخص‌های پژوهش بر ابعادشان

۱-۶- معیار R Squares یا R2

علاوه بر اعداد معناداری (T) برای بررسی برازش مدل ساختاری در یک پژوهش از ضریب R2 مربوط به متغیرهای پنهان درون‌زای (پنهان) استفاده می‌گردد. معیاری است که نشان از تأثیر یک متغیر بیرون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد و سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ به‌عنوان مقادیر ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی در نظر گرفته می‌شود (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵: ۱۴۶). با توجه اعداد به‌دست‌آمده برای R2 در جدول ۶ برای متغیرهای پنهان دل‌بستگی به مکان، مشارکت عملی و نگرش به مشارکت (۰/۵۶۶، ۰/۴۱۹، ۰/۹۵۹) می‌توان گفت مناسب بودن برازش مدل ساختاری تأیید می‌شود.

جدول ۶: مقدار R2 متغیرهای درون‌زا

مقدار	متغیر
0.566	دل‌بستگی مکانی
0.419	مشارکت عملی
0.959	نگرش به مشارکت

طبق جدول شماره ۷) نتایج تحقیق بدین‌صورت به‌دست‌آمده است که شاخص آگاهی اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۵۲۳ و آماری t ۲۵/۲۰۰ بر شاخص نگرش به مشارکت تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. شاخص تعامل اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۴۹۹ و مقدار t ۱۶/۶۶۶ بر شاخص نگرش به مشارکت تأثیر و مستقیم معنی‌داری دارد. ضریب مسیر ۰/۵۷۳ با مقدار t ۱۴/۷۷۰ برای شاخص اعتماد اجتماعی نشان از تأثیر مثبت و معنی‌دار این شاخص بر شاخص نگرش به مشارکت دارد. در بررسی تأثیر شاخص همبستگی اجتماعی بر شاخص نگرش به مشارکت با ضریب مسیر ۰/۳۲۵ و مقدار t ۱۱/۰۷۱ مشخص گردید که تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتایج حاصل از بررسی تأثیر شاخص رضایتمندی بر

دل‌بستگی به مکان با ضریب مسیر ۰,۷۵۲ و مقدار t ۲۵/۰۹۲ گواه بر این دارد که شاخص تأثیر قوی و مثبتی دارد. ضریب مسیر ۰,۶۵۸ و مقدار t ۱۲/۷۳۳ در بررسی تأثیر نگرش به مشارکت به مشارکت عملی مشخص‌کننده‌ی این است که تأثیر مثبت و قوی دارد. در بررسی تأثیر دل‌بستگی مکانی بر نگرش به مشارکت با توجه به ضریب مسیر ۰/۶۳۰ و مقدار t ۱۸/۰۸۲ می‌توان گفت تأثیر این شاخص بر نگرش به مشارکت مثبت و معنی‌دار است و ضریب مسیر ۰/۴۹۴ و t ۷/۶۴۸ در بررسی دل‌بستگی مکانی بر مشارکت عملی حاکی از تأثیر مثبت و معنی‌داری این شاخص دارد.

جدول ۷: خلاصه‌ی نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

فرضیه‌ها	ضریب مسیر	آماره‌ی T	p-value	نتیجه
آگاهی	۰/۵۲۳	۲۵/۲۰۰	۰/۰۰۰	تأیید
تعامل اجتماعی	۰/۴۴۹	۱۶/۶۶۶	۰/۰۰۰	تأیید
اعتماد اجتماعی	۰/۵۷۳	۱۴/۶۷۰	۰/۰۰۰	تأیید
همبستگی اجتماعی	۰/۳۲۵	۱۱/۰۷۱	۰/۰۰۰	تأیید
نگرش به مشارکت	۰/۶۵۸	۱۲/۷۷۳	۰/۰۰۰	تأیید
رضایتمندی	۰/۷۵۲	۲۵/۰۹۲	۰/۰۰۰	تأیید
دل‌بستگی مکانی	۰/۶۳۰	۱۸/۰۸۲	۰/۰۰۰	تأیید
دل‌بستگی مکانی	۰/۴۹۴	۷/۶۴۸	۰/۰۰۰	تأیید

۶- نتیجه‌گیری

مردم، منابع و مشارکت سه رکن اصلی توسعه‌ی انسانی پایدار را تشکیل می‌دهند. با این تفاوت که مشارکت در مقایسه با دو رکن دیگر نقش ساختاری داشته و دو عامل مردم و منابع در چارچوب آن به فعلیت مطلوب درمی‌آیند. به‌عبارت‌دیگر، مشارکت به دلیل این‌که هم هدف توسعه و هم وسیله‌ی رسیدن به آن است و ضمن آنکه نقش ترکیب‌کننده‌ی دو عامل دیگر را دارد، برآیند آن دو نیز به شمار می‌آید. به همین لحاظ، مشارکت عنصری کلیدی در فرایند توسعه‌ی پایدار تلقی می‌شود و از آن به‌عنوان حلقه‌ی گم‌شده‌ی فرآیند توسعه یاد می‌شود. بحث مشارکت به‌ویژه در سطح شهر تحت تأثیر عوامل زیادی می‌باشد. از جمله مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز مشارکت، بسترسازی مدیریت شهری و دخالت شهروندان در تهیه و اجرای طرح‌های شهری از بعد مدیریتی و کلان و متغیرهای اجتماعی از بعد اجتماعی و شرایط محیطی و کیفیت دسترسی به خدمات از بعد مکانی می‌باشد. در جوامعی که شهروندان مشارکت را در سرنوشت و شرایط زندگی و تسهیل امور مهم می‌دانند، وجود اعتماد بین شهروندان سبب افزایش مشارکت در امور شهری می‌شود کیفیت محیطی و زندگی بالاتر می‌باشد. به سبب اهمیت مشارکت در توسعه و کیفیت زندگی، تأثیر شاخص‌های اجتماعی و مکانی در منطقه‌ی ۹ شهر تهران با استفاده از پرسش‌نامه با ۸ متغیر و تعداد سؤال که به‌وسیله ۳۸۴ نفر از ساکنان تکمیل گردید، مورد بررسی قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها از روش معادلات ساختاری در نرم‌افزار smart-pls3 استفاده گردید. نتایج پژوهش بیانگر این است که تمام فرضیه‌ها (تأثیر شاخص‌ها) تأیید می‌شود.

نتایج بررسی شاخص‌های آگاهی اجتماعی، تعامل اجتماعی، اعتماد اجتماعی و همبستگی اجتماعی با نتایج پایان‌نامه‌ی احمدزاده نانو (۱۳۸۷) همسو می‌باشد که در آن متغیرهای مذکور بر مشارکت شهروندان تأثیر معناداری دارد. نتایج پژوهش نظم‌فر و عطار (۱۳۹۳) رابطه‌ی معنادار بین میزان احساس تعلق به محله و میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت ساکنان را در بافت فرسوده شهر اردبیل تأیید کرده است. صالح و همکاران (۱۳۹۲) به این نتایج دست یافتند که هرچه اعتماد اجتماعی افزایش یابد، مشارکت مالکان در بافت‌های فرسوده افزایش می‌یابد. نتیجه‌ی بررسی تأثیر شاخص‌های اجتماعی با تحقیق بابایی اقدام و همکاران (۱۳۹۴) که به بیان کردند شاخص‌های اجتماعی (اعتماد، آگاهی)

با مشارکت شهروندان رابطه‌ی معناداری دارند، همسو می‌باشد. مروتی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر تمایل ساکنان بافت‌های فرسوده به نوسازی در محله‌ی امامزاده عبدالله منطقه‌ی ۲ شهرداری تهران»، سه شاخص مشارکت، اعتماد و انسجام را به‌عنوان اصلی‌ترین مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی بررسی می‌کند. نتایج تحقیق بیانگر آن است که سرمایه‌ی اجتماعی در سطح محله در پایین‌ترین سطح ممکن است و مانعی اساسی در مسیر اهداف نوسازی است. موسوی (۱۳۸۵) در تحقیق خود با عنوان «مشارکت اجتماعی، یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی» به این نتیجه می‌رسد که بدون تحقق سرمایه‌ی اجتماعی (روابط انجمنی، هنجارها و اعتماد، پیوند و اعتماد بین فردی، روابط بین گروهی، روابط با نهادها و احساس برخورداری از حمایت اجتماعی)، در جامعه‌ی شاهد تعاملات اجتماعی بین افراد جامعه نخواهیم بود. همچنین نتایج این پژوهش با پژوهش موسوی و همکاران (۱۳۹۱) همسو می‌باشد که به این نتایج دست یافتند که مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، تعاون و همیاری رابطه‌ی معناداری با بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده دارد. ضریب مسیر ۰,۶۵۸ و مقدار $t = 12/733$ در بررسی تأثیر نگرش به مشارکت به مشارکت عملی مشخص‌کننده‌ی این است که تأثیر مثبت و قوی دارد. نتیجه‌ی بررسی این شاخص با پایان‌نامه‌ی شوریایی (۱۳۸۶) همسو نیست که در آن بیان کرد نگرش به مشارکت سبب افزایش مشارکت شهروندان نمی‌شود. نتایج حاصل از بررسی تأثیر شاخص رضایتمندی بر دل‌بستگی به مکان با ضریب مسیر ۰,۷۵۲ و مقدار $t = 25/092$ گواہ بر این دارد که شاخص تأثیر قوی و مثبتی دارد. نتیجه‌ی بررسی این شاخص با پژوهش بهرام‌پور و مدیری (۱۳۹۴) همسو می‌باشد که بیان گردید رضایتمندی سبب افزایش حس تعلق به شهرک کوثر تهران می‌شود. در بررسی تأثیر دل‌بستگی مکانی بر نگرش به مشارکت با توجه به ضریب مسیر ۰,۶۳۰ و مقدار $t = 18/082$ می‌توان گفت تأثیر این شاخص بر نگرش به مشارکت مثبت و معنی‌دار می‌باشد و ضریب مسیر ۰,۴۹۴ و مقدار $t = 7/648$ در بررسی دل‌بستگی مکانی بر مشارکت عملی حاکی از تأثیر مثبت و معنی‌داری این شاخص دارد. سجادی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که حس تعلق بیش‌تر سبب گرایش بیش‌تر به مشارکت می‌شود. گراف ۲۰۰۸ در پژوهشی جامع دل‌بستگی مکانی و نقش آن در موفقیت و عدم موفقیت پروژه‌های اعیان‌سازی و نوسازی شهری در اروپا را مورد بررسی قرار داده است. مطالعات وی نشان می‌دهد که نه‌تنها ساکنان محدوده‌ی بافت‌های نابسامان و رو به افول شهری، احساس کمتری نسبت به مکان و افرادی که در آن مکان‌ها زندگی می‌کنند، دارند بلکه عدم توجه به پیوندهای اجتماعی- احساسی مردم و مکان در پروژه‌های نوسازی این بافت‌ها، در نهایت منجر به کاهش دل‌بستگی مکانی کالبدی به محله در ساکنان، به علت جابه‌جایی‌های اجباری ناشی از این پروژه‌های نوسازی شهری شده است. از سویی دیگر مردم با مکان‌های جدید شکل‌گرفته احساس بیگانگی کرده و تا حد زیادی تمایل به مشارکت در فرایندهای بازآفرینی و حل مسائل فرسودگی بافت و محرومیت‌های موجود در محدوده را از دست می‌دهند. رهنما و رضوی (۱۳۹۱) در تحقیقی به این نتیجه دست یافتند که حس تعلق سبب افزایش مشارکت شهروندان در شهر مشهد می‌شود. نتیجه‌ی بررسی تأثیر شاخص دل‌بستگی به مکان با پژوهش زنگنه و همکاران (۱۳۹۳) همسو می‌باشد که بیان کردند تعلق مکانی سبب افزایش مشارکت شهروندان می‌شود. همچنین با نتیجه‌ی تحقیق توکلی‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) که تأثیر تعلق مکانی را بر مشارکت را تأیید کرده‌اند، همسو می‌باشد که در آن به این نتایج دست یافتند که حس تعلق به مکان سبب افزایش میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، پرداخت مالیات، نگهداری از تجهیزات و نیز حفظ نظافت محله توسط شهروندان می‌شود. همچنین از یافته‌های قبلی حمایت می‌کند که مشارکت و درگیری در بخش محلی از طریق باشگاه‌ها، فعالیت‌های داوطلبانه و فعالیت‌های انجمن محلی از دل‌بستگی مکانی تأثیر می‌پذیرد (Anton and Cuba & Hummon, 1993: 111, Lewicka, 2010: 35; Stedman, 2006: 187; Lawrwnce, 2014: 451). نتیجه‌ی بررسی تأثیر متغیرهای سرمایه‌ی اجتماعی و دل‌بستگی به مکان بر مشارکت با پژوهش Dekker (۲۰۰۷) همسو می‌باشد.

در تحلیل این نتایج باید گفت که منطقه‌ی ۹ مهاجرپذیری و تضادهای قومی و فرهنگی سبب کاهش تعاملات و همبستگی‌های اجتماعی می‌شود و این ویژگی‌ها که در حوزه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی قرار می‌گیرد، بر نگرش به مشارکت

تأثیر می‌گذارد. اگر سرمایه‌ی اجتماعی در منطقه‌ی ۹ بهبود یابد به دنبال خود نگرش به مشارکت و مشارکت عملی نیز بهبود می‌یابد. از سوی دیگر به علت وجود بافت‌های فرسوده در منطقه و مشکلات دسترسی به خدمات، سطح رضایتمندی پایین می‌باشد که این متغیر بر دل‌بستگی به مکان نیز تأثیر می‌گذارد؛ زیرا ساکنان در تأمین نیازهای خود با مشکل مواجه می‌شوند وابستگی به منطقه‌ی پایین می‌آید. از طرفی تعداد زیادی از ساکنان مهاجر می‌باشند و مهاجران به این مکان دل‌بستگی ندارند. به‌طور کلی می‌توان گفت ویژگی‌های مکانی مانند بافت فرسوده، سطح پایین خدمات که خود بر متغیرهای اجتماعی ورود افراد فقیر به این منطقه مؤثر می‌باشد، مشارکت نظری و عملی شهروندان در طرح‌های شهری به‌ویژه طرح‌های بهسازی و نوسازی شهری تحت شعاع قرار می‌دهد؛ بنابراین در بحث مشارکت نباید نگرش یک‌سویه داشت که بیش‌ترین تأثیر را از ویژگی‌های اجتماعی می‌پذیرد و نه اینکه تنها تحت تأثیر ویژگی‌های مکانی قرار دارد، بلکه ویژگی‌های اجتماعی، مکانی و حتی فردی هم‌زمان این مقوله را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۷- منابع

۱. ابراهیم‌زاده، عیسی، زارع، محمد (۱۳۹۳). تحلیلی بر سرمایه‌ی اجتماعی با تأکید بر آگاهی و اعتماد شهروندان نسبت به مسئولان اجرایی. مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی ۳ زاهدان، مجله‌ی آمایش جغرافیایی فضا، سال چهارم، شماره‌ی سیزدهم، صص ۱-۱۸.
۲. احمدزاده نانو، حسین (۱۳۸۷). سنجش و ارزیابی ظرفیت‌های مشارکت اجتماعی در فرآیند بهسازی و نوسازی محلات ناکارآمد شهری، نمونه‌ی موردی: محله‌ی هادی‌آباد قزوین، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد شهرسازی (برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای)، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. ازکیا، مصطفی، حسینی‌راد، کریم (۱۳۸۸). نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه‌ی روستایی، پژوهشنامه-ی علوم اجتماعی، سال سوم، شماره‌ی اول، صص ۲۷-۷.
۴. امیرکافی، مهدی، فتحی، شکوفه (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به محله‌ی مسکونی (مطالعه‌ی موردی: شهر کرمان)، مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره‌ی ۱، پیاپی ۱۳، صص ۴۱-۵.
۵. بابایی اقدم، فریدون، ویسی ناب، فتح‌الله، یاری حصار، ارسطو، حیدری ساریان، وکیل (۱۳۹۴). ارزیابی عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی در سامان‌دهی بافت‌های فرسوده با تأکید سرمایه‌ی اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: محله جحین اردبیل)، فصلنامه‌ی مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره‌ی نهم، صص ۹۰-۶۵.
۶. بدایعی، محمدحسن، احمدی ازغندی، حسن (۱۳۹۴). بررسی میزان همبستگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد و ارائه‌ی راهکارهای تقویت آن، فصلنامه‌ی تخصصی فقه و تاریخ تمدن، سال نهم، شماره‌ی سی و هفتم، صص ۱۰۷-۱۲۳.
۷. بهرام‌پور، عطیه، مدیری، آتوسا (۱۳۹۴). مطالعه‌ی رابطه‌ی میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آن‌ها در مجتمع مسکونی بلندمرتبه شهرک کوثر تهران، نشریه‌ی هنرهای زیبا- معماری- شهرسازی، دوره‌ی ۲۰، شماره‌ی ۳، صص ۹۴-۸۵.
۸. پارسامهر، مهربان (۱۳۹۲). اعتماد اجتماعی و رابطه‌ی آن با مشارکت اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: شهر یزد)، فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، دوره‌ی ۲۰، شماره‌ی ۶۲، صص ۲۸۶-۲۵۳.
۹. پوراحمد، احمد، زنگنه شهرکی، سعید، صفایی رینه، مصطفی (۱۳۹۵). تحلیل نقش پیاده راه‌های شهری در ارتقای سرزندگی فضاهای شهری (مطالعه‌ی موردی: پیاده راه ۱۷ شهر یور، تهران)، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۲، صص ۱۹۵-۱۷۵.
۱۰. توکلی نیا، جمیله، افراسیابی راد، محمدصادق، بوجانی، محمدحسین (۱۳۹۴). سنجش میزان احساس تعلق خاطر مکانی و تأثیرات فضای- مکانی آن در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه‌ی موردی: محله‌ی سهیل‌آباد شیراز)، فصلنامه‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، دوره‌ی هفتم، شماره‌ی ۲۵، صص ۲۰-۱.
۱۱. چرخچیان، مریم (۱۳۹۲). بررسی نقش ویژگی‌های فردی در میزان دل‌بستگی کاربران به فضاهای شهری (نمونه‌ی موردی: خیابان خیام در قزوین)، نشریه‌ی علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، سال ۱۸، شماره‌ی ۴۷، صص ۶۹-۵۵.

۱۲. داوری، علی، رضازاده، آرش (۱۳۹۵). مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS، ناشر جهاد دانشگاهی، چاپ سوم.
۱۳. دوبران، اسماعیل (۱۳۹۳). ارزیابی کارکرد سرمایه‌ی اجتماعی در بافت‌های شهری با فرآیند تحلیل سلسله‌مراتب (نمونه‌ی موردی: شهر زنجان)، فصلنامه‌ی مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره‌ی سوم، صص ۷۵-۵۵.
۱۴. رجیبی، آریتا (۱۳۹۰). شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرآیندهای توسعه‌ی شهری، فصلنامه‌ی جغرافیایی آمایش محیط، شماره‌ی ۱۲، صص ۱۱۶-۱۰۱.
۱۵. رهنما، محمدرحیم، رضوی، محمد محسن (۱۳۹۱). بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد، نشریه‌های هنرهای زیبا، دوره‌ی ۱۷، شماره‌ی ۲، صص ۶۳-۲۹.
۱۶. زنگنه، یعقوب، حسین‌آبادی، سعید، روشندل، تکتیم، نبی‌پور، رضا (۱۳۹۳). تأثیر تعلق مکانی و سرمایه‌ی اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی، نمونه‌ی موردی مجله‌ی سرده‌ی سبزوار، مجله‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال پنجم، شماره‌ی نوزدهم، صص ۱۲۸-۱۱.
۱۷. سجاذزاده، حسن، شریفی، عادل، اسدی، محمدعلی، شریفی، ندا (۱۳۹۴). دل‌بستگی مکانی و ادراک کیفیت محیطی بر میزان حس رضایت در مجله‌ی سنتی (نمونه‌ی موردی: مجله‌ی حاجی همدان)، نشریه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ششم، شماره‌ی بیست و دوم، صص ۱۵۲-۱۳۹.
۱۸. سجادی، ژیلدا، پورموسوی، موسی، اسکندپور، مجید (۱۳۹۰). بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده‌ی شهری با تأکید بر مشارکت مردمی (مطالعه‌ی مردمی: محله‌ی دولاب تهران)، فصلنامه‌ی جغرافیایی آمایش محیط، شماره‌ی ۱۴، صص ۱۶۴-۱۴۳.
۱۹. شوربایی، حسین (۱۳۸۶). ارزیابی الگوهای مشارکت شهروندان تهرانی در طرح‌های توسعه‌ی شهری و ارائه‌ی الگوی بهینه، پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری.
۲۰. صالح، سعید، فولادیان، احمد، خدیوی، غلامرضا، مهران‌فر، مصطفی (۱۳۹۲). بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت مالکان در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهر مشهد، مجله‌ی هفت شهر، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۴۳ و ۴۴، صص ۵۱-۴۳.
۲۱. طالبی، کامبیز، دهقان نجم‌آبادی، عامر (۱۳۹۲). تأثیر سرمایه‌های ساختاری سازمان بر تشخیص فرصت‌های کارآفرینانه، توسعه‌ی کارآفرینی، دوره‌ی ششم، شماره‌ی سوم، صص ۸۶-۷۶.
۲۲. عظیمی، آزاده (۱۳۹۲). تأثیر اعتماد اجتماعی بر کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه آزاد بروجرد، مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دهم، شماره‌ی سی و هشتم، صص ۲۱۵-۱۸۸.
۲۳. غفاری گیلانده، عطا، موسی‌زاده، چیمین، آهنگری، نوید (۱۳۹۳). سطح‌بندی مشارکت‌های شهروندی محله‌مدار در نظام مدیریت شهری (مطالعه‌ی موردی: شهر بوکان)، فصلنامه‌ی اقتصاد و مدیریت شهری، شماره‌ی هفتم، صص ۹۹-۸۱.
۲۴. مروتی، نادر، لطیفی، غلامرضا (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر تمایل ساکنان بافت‌های فرسوده به نوسازی (مطالعه موردی: مجله‌ی امامزاده عبدالله تهران)، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه‌ی اجتماعی، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱۰، صص ۲۲۶-۱۸۷.
۲۵. ملکی، امیر، امیدوار، پوران (۱۳۹۴). بررسی رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در ایران (تحلیل ثانویه‌ی پیمایش جهانی ارزش‌ها)، فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی ۳، صص ۱۵۶-۱۳۳.
۲۶. موحد، علی، فیروزی، محمدعلی، زارعی، رضا، مسعود، ظفری (۱۳۹۲). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد برای مشارکت در بازسازی بافت‌های فرسوده (نمونه‌ی موردی: بافت فرسوده‌ی بخش مرکزی شهر اهواز)، جغرافیا فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی انجمن جغرافیای ایران دوره‌ی جدید، سال یازدهم، صص ۹۸-۷۹.
۲۷. موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵). مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی، رفاه اجتماعی، دوره‌ی ۶، شماره‌ی ۲۳، صص ۹۲-۶۷.
۲۸. موسوی، میرنجف، حیدری، حسن، باقری کشکولی، علی (۱۳۹۰). بررسی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده (مطالعه‌ی موردی: شهر سردشت)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال چهارم، شماره‌ی پانزدهم، صص ۱۲۲-۱۰۵.
۲۹. نظم‌فر، حسین، امین عطار، محمد (۱۳۹۳). نقش سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت ساکنان در نوسازی بافت فرسوده‌ی شهری موردشناسی: بافت فرسوده‌ی شهر اردبیل، جغرافیا و آمایش هشری- منطقه‌ای، شماره‌ی ۱۲، صص ۶۶-۵۱.

۳۰. نیک‌خواه، هدایت اله، سادات احمدی، زهرا (۱۳۹۶). بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان شهر بندرعباس، فصلنامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی ششم، شماره‌ی ۱، صص ۱۸۴-۱۵۹.
۳۱. یزدان‌پناه، لیلا (۱۳۸۶). موانع مشارکت اجتماعی شهروندان تهرانی، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره‌ی ۲۶، صص ۱۳۰-۱۰۵.
32. Almond, G. A., & Verba, S. (2015). *The civic culture: Political attitudes and democracy in five nations*. Princeton University Press.
33. Anton, C. E., & Lawrence, C. (2016). The relationship between place attachments, the theory of planned behavior and residents' response to place change. *Journal of Environmental Psychology*, 47, 145-154.
34. Anton, C. E., & Lawrence, C. (2014). Home is where the heart is: The effect of place of residence on place attachment and community participation. *Journal of Environmental Psychology*, 40, 451-461.
35. Anton, C. E., & Lawrence, C. (2014). Home is where the heart is: The effect of place of residence on place attachment and community participation. *Journal of Environmental Psychology*, 40, 451-461.
36. Baker, Emma B.A. Hons (2000). Public Housing Tenant Relocation Residential Mobility Satisfaction and Development of a Tenant's Spatial Design Support System. The University of Adelaide. Thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy. 233p.
37. Bonaiuto, M, Fornara, F. and Bonnes, M. (2002), 'Indexes of perceived residential environment quality and neighborhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome', *Landscape and Urban Planning*, 988, 1-12.
38. Brodsky, A. E., O'Campo, P. J. & Aronson, P. J. (1999) PSOC in community context: multi-level correlates of a measure of psychological sense of community in low-income, urban neighbourhoods, *Journal of Community Psychology*, 27, pp. 659-679.
39. Bronius, N and Rigita (2007). Public Participation in City Governance Decision-Making: Theoretical Approach, *ENGINEERING ECONOMICS*. 2007. No 4(54), pp. 27-35.
40. Ching Lin, T. Chih Huang, C. (2009). Understanding social loafing in knowledge contribution from the perspectives of justice and trust, *Expert Systems with Applications*, 36, 6156-6163.
41. Cuba, L., & Hummon, D. M. (1993). A place to call home: Identification with dwelling, community, and region. *Sociological quarterly*, 34(1), 111-131.
42. Dekker, K. (2007). Social capital, neighbourhood attachment and participation in distressed urban areas. A case study in The Hague and Utrecht, the Netherlands. *Housing Studies*, 22(3), 355-379.
43. Fornell, C, & Larcker, D,(1981) Structural equation models with unobservable variables and measurement error, *Journal of Marketing Research*, 18(1), , 39-50
44. Fried, M., & Gleicher, P. (1961). Some sources of residential satisfaction in an urban slum. *Journal of the American Institute of planners*, 27(4), 305-315.
45. Galster, G. (2003) Investigating behavioural impacts of poor neighbourhoods: towards new data and analytic strategies, *Housing Studies*, 18, pp. 893-914.
46. Galster, G. C., & Hesser, G. W. (1981). Residential satisfaction compositional and contextual correlates. *Environment and behavior*, 13(6), 735-758.
47. Ge, J., & Hokao, K. (2006). Research on residential lifestyles in Japanese cities from the viewpoints of residential preference, residential choice and residential satisfaction. *Landscape and Urban Planning*, 78(3), 165-178.
48. Gittell, M., Ortega-Mustamante, I. & Steffy, T. (2000) Social capital and social change, women's communityactivism, *Urban Affairs Review*, 36, pp. 123-147.
49. Gonzalez Parada, X. (2009). Civil Society Participation: a case study of Neighborhood councils in Antofagasta, Chile (Doctoral dissertation, Ohio University).
50. Halpenny, E. A. (2006). Environmental behaviour, place attachment and park visitation: A case study of visitors to Point Pelee National Park.

51. Helly, M (2001). Voluntary and Social Participation by People of Immigrant Origin: Overview of Canadian Research, Second National Metropolis Conference Montreal 1997.
52. Larsson, L. (2007). Public trust in the PR industry and its actors. *Journal of Communication Management*, 11(3), 222-234.
53. Lewicka, M. (2010). What makes neighborhood different from home and city? Effects of place scale on place attachment. *Journal of environmental psychology*, 30(1), 35-51.
54. Low, S. M., & Altman, I. (1992). Place attachment. In *Place attachment* (pp. 1-12). Springer US.
55. McCray, J. W., & Day, S. S. (1977). Housing values, aspirations, and satisfactions as indicators of housing needs. *Home economics research journal*, 5(4), 244-254.
56. Mesch, G. S., & Manor, O. (1998). Social ties, environmental perception, and local attachment. *Environment and behavior*, 30(4), 504-519.
57. Mesch, G. S., & Manor, O. (1998). Social ties, environmental perception, and local attachment. *Environment and behavior*, 30(4), 504-519.
58. Minkler, M. & Wallerstein, N. (2003) Community Based Participatory Research for Health (San Francisco: Jossey-Bass).
59. Perkins, D. D., & Long, D. A. (2002). Neighborhood sense of community and social capital. In *Psychological sense of community* (pp. 291-318). Springer US.
60. Putnam, D (1996). Bowling Alon: America`s Declining Social Capital, in journal of Democracy, Vol 1, No 6, pp. 65-78.
61. Ross, C. E., Mirowsky, J., & Pribesh, S. (2001). Powerlessness and the amplification of threat: Neighborhood disadvantage, disorder, and mistrust. *American sociological review*, 568-591.
62. Stedman, R. C. (2003), 'Is it really a social construction? The contribution of physical environment to Sense of place', *Society and Natural Resources*, 16, pp.671-685.
63. Stedman, R. C. (2006). Understanding place attachment among second home owners. *American behavioral scientist*, 50(2), 187-205.
64. Subramanian, S. V., Lochner, K. A., & Kawachi, I. (2003). Neighborhood differences in social capital: a compositional artifact or a contextual construct? *Health & place*, 9(1), 33-44.
65. Ujang, N. (2012). Place Attachment and Continuity of Urban Place Identity National Conference on Environment-Behavior Studies, Faculty of Architecture, Planning & Surveying, University Technology MARA, Shah Alam, Selangor, Malaysia, 14-15, pp 156-167.
66. Wickham, T.D, Kerstetter, D.L. (2000). The Relationship Between Place Attachment and Crowding in an Event Setting, *Event Management*, Volume 6, Number 3, pp. 167-174(8)
67. Williams Danie, Michael Patterson and Joseph Roggenbuck (1992). Beyond the community metaphor, examining emotional and symbolic attachment to place. *Leisure Science*, volume 14.
68. Wu, F. (2016). Neighborhood Attachment, Social Participation, and Willingness to Stay in China's Low-Income Communities, *Urban Affairs Review* XX(X), pp. 1-24
69. Yazdanfar.S.A, Heidari.A.A, Behdadfar.N, Eskandari M. (2013) Effect of place attachment in creating sense of place Case study: Tajrish old Bazaar and new commercial center, *International Research Journal of Applied and Basic Sciences*, Vol, 4(4): pp. 855-862.